

رابطه دو مفهوم عدالت با جمهوریت رابطه‌ای از نوع عموم و خصوص من وجه است. یکی از بهترین قالب‌های نظری برای بررسی ارتباط دو مفهوم، قالب روابط چهارگانه قیاس قبل از تجربه یعنی اجتماع، تباین، عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه است. در رابطه عموم و خصوص من وجه، ضمن آنکه هر دو مفهوم، هیت و قلمرو مستقل دارند، در بخش‌هایی با یکدیگر هم‌پوشانی نیز دارند و در واقع، دو دایره عدالت و جمهوریت در این بخش‌ها بر یکدیگر منطبق می‌شوند و به هم می‌رسند.

مفروض این نوشتار آن است که هر دو مفهوم اساسی عدالت و جمهوریت در هندسه اسلامی و آرای متفکران مسلمان تعریف می‌شود و از مفروضات هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه آن تغذیه می‌شود و تبعیت می‌کند.

عدالت در این پیش‌فرض‌های یک اصل اساسی و اعتقادی است که بر همه ارکان دین از جمله سراسر هستی و کائنات ساری و جاری است که از آن به عنوان عدالت تکوینی یاد می‌شود. عدالت در این مفروض به معنای اصل حاکم بر همه ابواب فقهی است که عندالتعارض با آن، این اصل عدالت است که حاکمیت می‌یابد و سیاست‌گذاری می‌کند و اولویت و ترجیحات را هنگام تراجم تعیین تکلیف و معنابخشی می‌کند. عدالت در چنین قالبی، اصل اخلاقی و ملکه مستقر اخلاقی در فرد و حاکمان صالح است که این ملکه اخلاقی، تسهیلاتی روان برای کنشگری سیاسی و اجتماعی عادلانه فراهم می‌کند.

فرد عادل به طور داوطلبانه عدالت را در حق دیگران اجرا می‌کند و ملکه عدالت وی، او را به سرایشی کم‌هزینه رفتار عادلانه با دیگران سوق می‌دهد؛ بنابراین فرد عادل، یا حاکم و در موقعیت حکومت‌کنندگان است که در این صورت چون قدرتمند است و قدرت و امکان ظلم به دیگران را در شعاع گسترده قلمرو خود دارد، این عدالت شخصی او را از ظلم بازمی‌دارد یا اینکه فرد عادل، یک شهروند عادی و در زمره حکومت‌شوندگان است و در این صورت نیز عدالت شخصی وی موجب می‌شود که داوطلبانه، عدالت را در تعامل با دیگران محقق کند و جامعه را به سامانی رضایتمندانه و مطلوب نزدیک کند.

در این میان روشن است که عدالت حکومت‌کنندگان حساسیت و اهمیتی بیشتر از عدالت حکومت‌شوندگان دارد. اینجاست که در جمهوری اسلامی ایران، قبل از اقبال جمهور مردم باید صلاحیت علمی، عدالتی و مدیریتی صاحب‌منصبان اعتبارسنجی شود. باید صلاحیت و امانت‌داری و عدالت و مدبر بودن فرد احراز شود، و این شرط لازم استحقاق مناصب سیاسی است. گام بعدی آنکه این صلاحیت ذاتی اولیه فی‌نفسه برای وی حق زمامداری تولید نمی‌کند، بلکه مردم و جمهور مردم و اکثریت آنان هم باید به آن شخص و شخصیت توجه و اقبال نشان دهند و تا زمانی که این پذیرش مردمی وجود